

1384

استاد هیئت

مجموعه نمایندگان هیئت مدیره

مجموعه نمایندگان هیئت مدیره

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

اولیاد | دیوید مت | علی اکبر علیزاد

به همراه یک مقاله | نمایندگان هیئت مدیره: امریکایی (۱)

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

آماریس

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه مترجم
۳۱	نمایشنامه
۱۱۵	اولئانه: زبان و قدرت
۱۳۷	دیوید ممت: سال شمار زندگی

فصل اول
مقدمه مترجم

مقدمه مترجم

۱

اولثانا، بحث‌انگیزترین و چه بسا مهم‌ترین نمایشنامه دیوید ممت تا اواخر دههٔ نود است. سواى مایه‌های شدیداً سیاسى / اجتماعى متن، که در همهٔ اجراهای آن (در اروپا و امریکای شمالی) مناقشات زیادى را باعث شد، زبان و ساختار نمایشى آن فوق‌العاده جذاب، منحصر به فرد و آموزنده است. به رغم ظاهر گول‌زننده و رئالیستى آن، در نهایت نمى‌توان این نمایشنامه را کاملاً رئالیستى دانست. اولثانا به رغم پایبندى به برخی قواعد درام رئالیستى، در عمل، سازوکارهای رئالیسم را از درون ویران مى‌کند. اولثانا از ساختار مثلثى درام ارسطویى - که ظاهراً مورد ستایش خود ممت نیز هست - بهره مى‌گیرد. نمایشنامه در سه پردهٔ اوج‌گیرنده، کشمکشى حاد میان دو شخصیت کنش‌مند را شکل مى‌دهد. بنابراین، ساختار رایج درام ارسطویى با شروع، میانه و پایان مشخص‌اش در اینجا به نحو بارزى حضور دارد. شخصیت‌ها کاملاً فعال و دارای مشخصه‌های بارز

فردی‌اند. اما انحراف اولئانا از قواعد درام ارسطویی را در کجا باید جست‌وجو کرد؟ مشخص‌ترین عامل این انحراف، پایان بحث‌انگیز و غیرقطعی نمایشنامه است. کدام شخص پیروز می‌شود؟ کدام یک محق است؟ واکنش ما دقیقاً چیست؟ گفته‌نهایی «کارول» دقیقاً به چه چیز اشاره می‌کند؟ می‌توان به طور قطع گفت اولئانا واکنش‌های ما را چندپاره می‌کند. ما با پایانی باز روبه‌رو هستیم که در بهترین حالت به چیزی قطعیت نمی‌بخشد؛ البته این گفته به این معنی نیست که نمی‌توان اجرایی از اولئانا داشت که به پایان ممت قطعیت ببخشد. کما اینکه اجرای پیتر از این نمایشنامه در سال ۱۹۹۳ در رویال کورت، کفه ترازو را به نفع «جان» سنگین کرد. اگر نمایشنامه، در پایان، واکنش‌های ما را چندپاره می‌کند، در این صورت می‌توان آن را تراژیک هم فرض کرد؛ چیزی که خود ممت نیز در مصاحبه‌هایش بر آن تأکید کرده است. جان، در انتها، مانند اودیپ متوجه می‌شود که خود عامل عفونت شهر بوده است. نوعی بازشناسی در پایان‌بندی نسبی ممت به چشم می‌خورد که نمایشنامه را از پایان‌بندی تک‌سویه ملودراماتیک دور می‌کند.

وجه دیگر انحراف از قواعد درام ارسطویی، در زبان نمایشنامه شکل می‌گیرد. زبان ممت در این نمایشنامه و نیز سایر نمایشنامه‌هایش از ساختاری بهره می‌جوید که در وهله اول، روند حرکت خطی متن را متوقف می‌کند - هرچند که این وقفه شبیه چیزی که در کار بکت شاهدش هستیم، دائمی نیست. قطع دائمی کلام توسط شخصیت‌ها، مکث‌های مکرر، توسل به تکرار، و نیمه‌تمام ماندن کلام، از تمهیدات اصلی ممت برای آشنایی‌زدایی از زبان نمایشی در الگوی ارسطویی است: